ارزش‌های معماری بومی[۱] ایرانی در رابطه با رویکرد معماری پایدار

مریم ارمغان* / دکتر یوسف گرجی مهلبانی**

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۲/۱۳
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۸/۰۳/۰۹

چکیده:

چند دهه از مطرح شدن معماری پایدار می‌گذرد و راهکارهای بسیاری، توسط آن، برای حل بحران های معاصر ارائه شده است؛ ولی همچنان مشکلاتی در سر راه ایجاد معماری پایدار وجود دارد. به نظر می‌رسد که با رفع موانع از طریق توجه به ارزش‌ها و ویژگی‌های معماری بومی، می‌توان آن را کامل نمود. چرا که با توجه به آثار معماری بومی و مستندات کتابخانه‌ای، این بناها در زمان و مکان خود به خوبی با اهداف رویکرد پایداری، مطابقت می‌کردند؛ در شکل‌گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی ماهرانه انعکاس می‌یابد. بدین ترتیب پیوستگی موضوعات مورد نظر معماری پایدار در معماری بومی قابل مشاهده است.

مسلماً معماری بومی (مربوط به گذشتهٔ کشورمان) در زمان و مکان خودش پایدار بوده و تکرار آن امری بیهوده است. در این مقاله استخراج ویژگی‌های قابل تکرار آن در راستای دستیابی به اهداف معماری پایدار، مورد نظر می‌باشد. پایداری به معنی ایجاد فرآیندی قابل تکرار می‌باشد و مفهومی است که بیشتر به عنوان اندازهٔ ارزش یک روش به کار برده می‌شود. با این نگرش، درک اصول و ارزشهای تکرارپذیر معماری بومی، بسیار با ارزش می‌باشد.

روش این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و رویکردی توصیفی دارد. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش به درک اهمیت نقش معماری بومی در ایجاد رویکرد پایداری در معماری منجر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: معماری پایدار، فرآیند معماری، معماری بومی

مقدمه

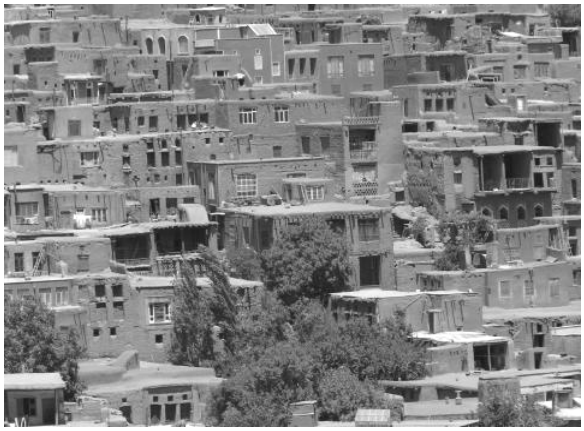
پرداختن به معماری پایدار و اسباب شکل‌گیری چنین رویکردی در طراحی‌های معماری، لازمهٔ شناخت عمیق‌تری از اهداف و توصیه‌های پایداری می‌باشد. از سویی حل مشکلات محیطی، فرهنگی- اجتماعی و اقتصادی، و پیوستگی شدید این موضوعات، ما را به سوی معماری بومی و رویکرد پایداری در مقایسه و سنجش با یکدیگر قرار می دهد تا آموزه‌های آن برای طراحی معماری امروز، استخراج گردد.

* کارشناسی ارشد معماری دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین.
** استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

پدیدهٔ معماری بومی به عنوان مقوله ای در زیبـایی شناسی و عرفان، در خلوص اندیشه و احترام به طبیعت، موضوعی بسیار با اهمیت می باشـد. معمـاری بـومی بـا آنکه در طول تاریخ، دسـتخوش پدیـده هـای دگرگـون کننده بوده است ولی توانسته هویت ویژهٔ خود را حفـظ کنـد و نمایـانگر آداب و رسـوم، روحیـه و احـساسات، اندیـشه و عقیـده، ذوق و سـلیقه و هنـر آنـان باشـد (دادخواه، ۱۳۸٤: ۹۸).

در برخورد با مجموعه هـا و واحـدهای معمـاری، تأثیرات محیط طبیعی و فرهنگی به بارزترین شکل خود و توأماً، بی آنکه بتوانیم یکی را از دیگـری تمیـز دهـیم، متجلی می شوند. به نظر می رسد که این مجموعـه هـا، مصداق‌های خوبی بـرای رویکـرد پایـداری در زمـان و مکان خودشان می باشند.



ابیانه، اصفهان، معماری بومی:
- احترام به طبیعت - دارای هویت - نمایانگر فرهنگ، آداب و رسوم و ... - بناهای پاسخده به شرایط اقلیمی

به این ترتیب در این مقاله، ابتدا به موانـع موجـود بر سر راه ایجاد پایداری در معماری پرداخته شده اسـت و سپس چاره جویی‌ها، استخراج گردیـده اسـت. تغییـر نگرش به معماری پایدار به عنـوان یـک فرآینـد تکـرار پذیر و توجه به زمینه‌های فرهنگی- اجتماعی، محیطی و اقتصادیِ بستر طراحی و سرانجام پرداختن به معماری بومی و قابلیت های آن در ایجاد پایداری مورد توجـه قرار گرفته اند. در این میان معمـاری بـومی ایـران بـه عنوان الگویی مناسب در راسـتای رویکـرد پایـداری، مورد بررسی قـرار گرفتـه و جنبـه هـای پایـداری آن استخراج گردیده است.

آنچه فرهنگ معماری گذشـته بـه صـورت یـک سنت در خود داشته اسـت امـروزه تنهـا بـه صـورت پیکری بی‌جان پـیش روی ماسـت؛ و طبیعتـاً جوامـع امروز، در پی کشف و اسـتفاده از ارزشـهای گذشـته، ناگزیر به جـستجو و کنکـاش در شـناخت ارزشـهای ناآشنا و فراموش شده در خود اسـت (ربـوبی، ۱۳۸٤: ۵۸).

۱- اصـلاح موانـع موجـود در ایجـاد رویکرد پایداری در معماری

برابر دانستن پایـداری بـا بیوفیزیکـال[۲] و نادیـده گیری روابط وابستهٔ مربوط به عادات، طرز زنـدگی و ارزش های فرهنگی صحیح نیست.

اموری که موجب ایجاد مشکل، در سر راه ایجاد معمـاری پایـدار مـی‌گردنـد، بـه ایـن ترتیـب عنـوان شده اند:

۱- سیاست هایی که نتیجهٔ رشد پیوسـته و نقـد نشدهٔ راهکارهای پایداری مـی باشـند و امـروزه ایـن سیاست ها خود مشکل ساز شده اند.

۲- برنامه زیبایی شناسانه‌ای که در درک و حس معمارانـه، بـسیار ماهرانـه جاسـازی شـده اسـت و همبستگی‌های پایداری را به حاشیه می راند و یـا بـه ساخت فرم به عنوان مجسمه می اندیشد.

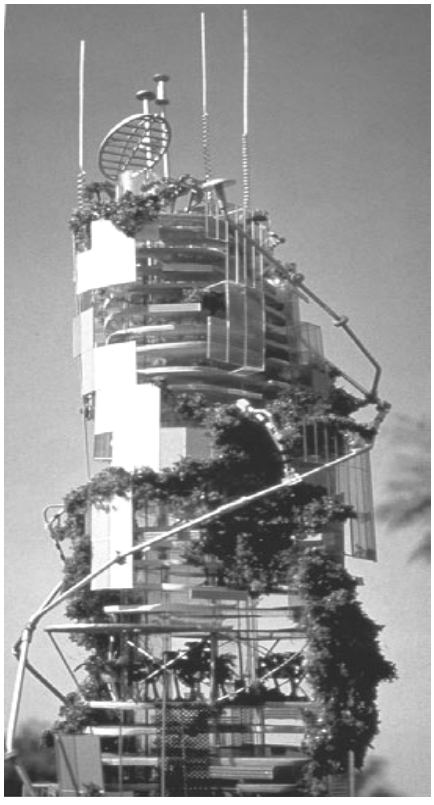
[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

۳- این فرض نادرست که پایداری می تواند از طریق تکنولوژی های ترکیبی، که به صورت نمادین نمایش داده می شوند، حاصل گردد. در این حالت تنها ظاهر بنا یادآور مسائل پایداری است و مجموعه همچنان ناپایدار است (Willis, 2000).

همهٔ این موارد باعث شده اند که معماری پایدار به صورت یک تکنولوژی تصور گردد که قابل انتقال به هر منطقه ای می باشد. در اینجا دو اشکال رخ داده است:

۱. نگاه به معماری پایدار به صورت یک فرآورده

۲. در نظر نگرفتن ضرورت تطابق هر موضوع و تکنولوژی جدید با ویژگی های محل، به بیانی دیگر عدم توجه به ضرورت بومی شدن موضوع.



برج توکیو نارا، توکیو: نمایش یک ساختمان بلند مرتبه بومی بر اساس پایداری. تلفیق زیبایی و طبیعت و تکنولوژی در جهت پایدار ساختن بنا.

۱-۱- فرآیند معماری پایدار

امروزه به معماری پایدار، از طریق استنتاج نمودنِ معماری به عنوان محصول پایداری، نگاه می‌شود. در حالیکه با معکوس کردن این رابطه، یعنی پایداری از معماری استنتاج شود، تغییر مهمی رخ خواهد داد. تغییری که به معنی خراب کردن و دوباره ساختن معماری و معماران می باشد. در این صورت این معمار هنگام شروع یک پروژه از خود خواهد پرسید:

- چه چیزی از طریق فرم ساخته شده پایدار خواهد شد؟
- آیا آنچه که ادعای پایداری آن را می کنیم واقعاً پایدار است؟

سوال اول، از طریق درک انواع فعالیت هایی که یک ساختمان حمایت خواهد کرد، آشکار می شود. پاسخ سوال دوم، بسیار مشکل است. همچنانکه نیاز به داوری آنچه ساخته شده، دارد. اگر بی‌رحمانه قضاوت شود، در بسیاری از موارد، پاسخ به اینکه آیا آنچه پایدار شده واقعاً پایدار است، نه یا فقط جزئی می‌باشد. با پاسخ نه، معمار باید روشن کند که چه چیزی را به کار گیرد، و اگر پاسخ جزئی باشد معمار باید روشن کند که چگونه باید آن را اصلاح کند (Willis, 2000).

به منظور ایجاد یک ارتباط صحیح بین فرم ساخته شده و آنچه که باید پایدار شود می بایست توجه به طراحی یک ساختمان را به عنوان یک محصول تمام شده تغییر دهیم و به فرآیندهایی توجه کنیم که در برگیرندهٔ این موضوع هستند: که چه چیزهایی در بنای مورد نظر حمایت می‌گردند؟ چگونه با فرآیندهای دیگر متناسب می‌شوند و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

همکاری می کنند. بدین معنی که آنها، به عنوان یک گره در تقاطع جریان های خدمات، مصالح، اطلاعات، مـردم و دیگر چیزهای زندگی دیده شوند.

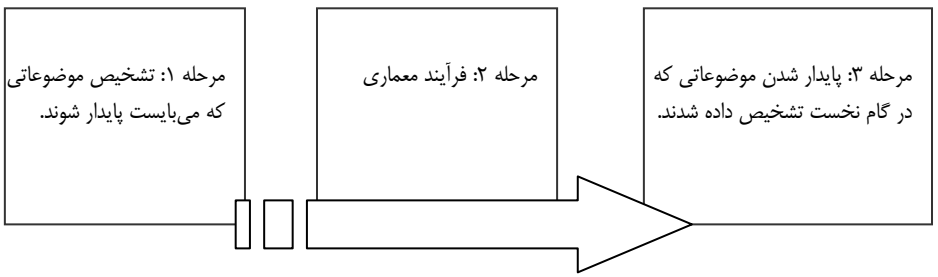
معماری پایدار بـه معنـی یـک فرآینـد اسـت کـه می‌تواند تکرار شود. پایداری یک مفهوم است که بیـشتر به عنوان اندازهٔ ارزش یک روش به کار برده مـی شـود. روشی که با نیازهای حفاظتی معاصر از طریق یک رفتار تکرار پذیر و بادوام مواجه می گردد. بنابراین در این جا روی فرآینـد بـه انـدازهٔ محـصول نهـایی توجـه می شود. معماری پایدار به طور قطع تشخیص می دهـد که محصول نهایی در اثـر گذشـت زمـان ممکـن اسـت فرسوده شود و یا نیاز باشد کـه جـایگزین گـردد. ولـی فرآیندی که ماندنی و قابل دوام بر جا مـی مانـد را نیـز تشخیص می‌دهد و آن فرآیند می تواند تجدید شود و یا دوباره تکرار شـود، بـدون خرابـی هـای غیـر ضـروری محیط و منابع و ... (Norton, 1999).

پایداری نیاز دارد که در رابطه با فرآیند دیده شـود. به عنوان قدرتی که پایدار می کنـد، آنچـه را کـه پایـدار است. به عنوان چیزی که رابطهٔ بین بیوفیزیکـال "جـسم ساخته شـده" و فرهنـگ اجتمـاعی و نمـاد و سـمبل را شکل می‌دهد. این دیدگاه نسبت به پایداری به‌عنوان یک فرآیند، بیش از یک "محصول تمام شده" است. به معنی نگاه کردن به آن، به عنوان یک قابلیت برای تغییر دادن می‌باشد. به معنـی نگـاه داشـتن یـک حـس کـه چـه چیزهایی باید حفـظ شـود و چـه چیزهـایی مناسـب پایداری است (خواه ساختمان‌ها، اشیاء، فعالیت‌ها، فن آوری‌ها، حالت سکونت یا کار، عادت فکری و بدنی) و چه چیز مناسب نیست (Willis, 2000).

پایداری به معنای مداومت، پیوستگی و اسـتمرار است. فعال است و به معنی جنبش و حرکت اسـت و به معنی ذخیره برای آینده می باشد؛ مانند حفظ منـابع موجـود آب. چیـزی را حفـظ مـی کنـد کـه قابلیـت پایداری دارد. پس معماری نیاز دارد که به عنوان یـک فعالیت طراحی، پایدار کننده محیط باشـد. بـه همـراه توانایی پایدار کردن آنچه که نیاز به پایداری دارد.

۱-۲- معماری پایدار یک ویژگی زمینه‌ای (بـومی) است

پایداری با وجود شعارهای اساسی و فراگیـرش، که جهانی می باشند و مسألهٔ حفظ زمین را هدف قرار می دهند، برای دستیابی به راهکار های واقـع بینانـه و قابل اجرا از یک سو و حمایـت از گونـاگونی کـه در نفس طبیعت موجود است از سوی دیگر، رویکردهای محلی را توصیه می کند و شعار جهانی "فکر کنید، اما منطقه‌ای عمل نمایید" را، مورد توجه قـرار مـی دهـد (احمدی، ۱۳۸٤).

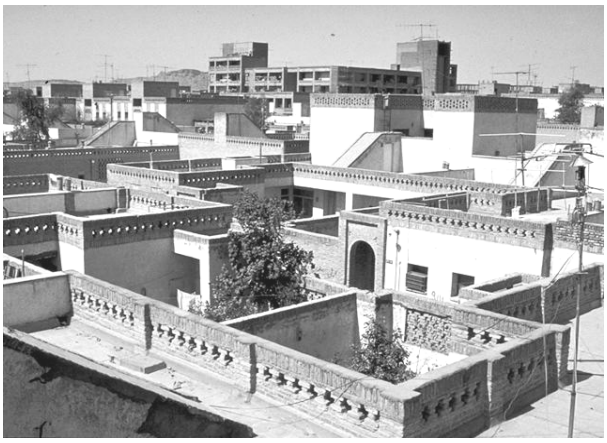


نمودار ۱: مراحل سه گانه فرآیند معماری پایدار

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

یک ترکیب معماری پایدار، نمی‌تواند به عنوان یک محصول ساخته شده آماده، از یک مکان به مکان دیگر منتقل شود. همان طور که گفته شد خط مشی معماری پایدار چند مشخصه را ارائه می دهد، ولی پایداری محیطی، پایداری اجتماعی–اقتصادی و ... اساساً ویژگی‌های محتوایی هستند که به منابع موضعی و محلی موجود یا به حقوق و سنت ها و نیازهای مردم محلی، مربوط هستند (Norton,1999).

بنابراین، نمی توان یک تکنولوژی(فن آوری) ساختمانی به خصوص را، به عنوان تکنولوژی معماری پایدار رده بندی کرد و نه به اشتباه آن را به عنوان یک تکنولوژی مناسب قلمداد نمود. یک سیستم معتبر که به خوبی در یک مکان کار می کند، در آینده و یا در مکانی دیگر به دلیل تغییر عوامل فرهنگی و اجتماعی و فیزیکی در یک زمینه جدید، نا کارآمد خواهد بود. بنابراین می بایست به پتانسیل آن فرآیندها، فن آوری‌ها و سیستم‌ها توجه نمود تا در صورت امکان بتوان آن ها را در یک محل داده شده به کار گرفت. چرا که پایداری یک ویژگی زمینه‌ای است.



شهر جدید شوشتر، معماری بومی که تلفیقی از الگوهای معماری سنتی با تکنولوژی و مصالح مدرن می باشد.

هر چند که پایداری، شیوه‌های نوینی از دستیابی به محیط های انسان ساز را پیش رو قرار می دهد، اما به تدریج با پررنگ تر شدن مولفه های فرهنگی–اجتماعی در فرآیند طراحی، محصولات در هم تنیده و پیچیده تری فراهم می آید (احمدی، ۱۳۸۲).

اخیراً، بسیاری از روش‌های فن آوری‌های محیطی، قبل از اینکه با موفقیت، کامل شوند، با شکست مواجه می گردند؛ به دلیل ناتوانی طراحانشان که نتوانسته اند، پیوستگی و محتوای فرهنگی–اجتماعی معماری را تشخیص دهند، یا اینکه نیازها و انتظارات کسانی را که قصد دارند از آن استفاده کنند، درک نمایند. در واقع، در اینجا، صحبت درباره فراموشی[۳] می باشد که چگونه فرهنگ و ارزش های محلی را باید حفظ کرد. این موضوع حقیقتاً روی موفقیت یا شکست یک پروژه تأثیر می گذارد (Cole, et al. 2006).

فرایند جهانی پیشرفت تکنولوژی در زمینه‌های اطلاعات و ارتباطات، منجر به افزایش میزان مصرف، شهرسازی مداوم و رشد بین المللی شدن سرمایه ها و تجارت در سراسر جهان گردیده است و باعث شده فرهنگ عمیق، به الگوهای جدید نژادی و رابطه های فرهنگی به امر غیر منتظره فرهنگ های ترکیبی[۴]، تبدیل شود. در همان زمان، رشد سریع تکنولوژی، در افزایش مشکلات محیطی در مقیاس جهانی مشارکت می کند، که می توان نتیجهٔ آن را در بلایای اکولوژیکی که نمونهٔ آن از بین رفتن سریع منابع و گونه های طبیعی و مصرف بالا و افزایش مقادیر اتلاف انرژی می باشد، دید. بدین ترتیب اینگونه درک می شود که محیط مصنوع به عنوان یک شاخهٔ فرهنگی برجسته و مصرف کنندهٔ اصلی انرژی و

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

منابع، به طور جدی در هر دو فرآیند دلالت می کند (Cole, et al. 2006).

۱-۳- آماده سازی بستر پایداری

همان طور که گفته شد، اطلاعات و دانش دربارهٔ ایده‌ها و مهارت‌های جدید و بسیاری از فن آوری‌های نو را، به سختی می‌توان به دیگر فرهنگ‌ها و کشورها انتقال داد. حتی بعد از اینکه به یک زمینهٔ فرهنگی جدید معرفی شده اند، یا به صورت جزئی اجرا شده اند یا سازگار نبوده اند و جایگزین گشته اند و یا حتی نادیده گرفته شده اند. به نظر می رسد که کلید این مشکل در ناتوانی کسانی باشد که در طراحی و ترویج تکنولوژی های جدید، انتظارات و آرزوها و نیازهای فرهنگی محلی را به شمار نیاورده اند. قبل از اینکه ادعا شود، این تکنولوژی ها، به عنوان یک واقعیت، قابل اجرا و با ارزش هستند، می بایست دریافت، که آنها به صورت پیچیده ای به فرهنگ پیوند خورده اند و تکنولوژی هایی که برای یک گروه مردم پذیرفته شده است، لزوماً توسط بقیه پذیرفته نخواهد شد (Cole, et al. 2006).

در موضوعی که فشار آن روی محورهایی چون آینده، راه های بهتر طراحی و برنامه ریزی قلمرو عمومی متمرکز شده است، مواردی جالب، در خور توجه است:

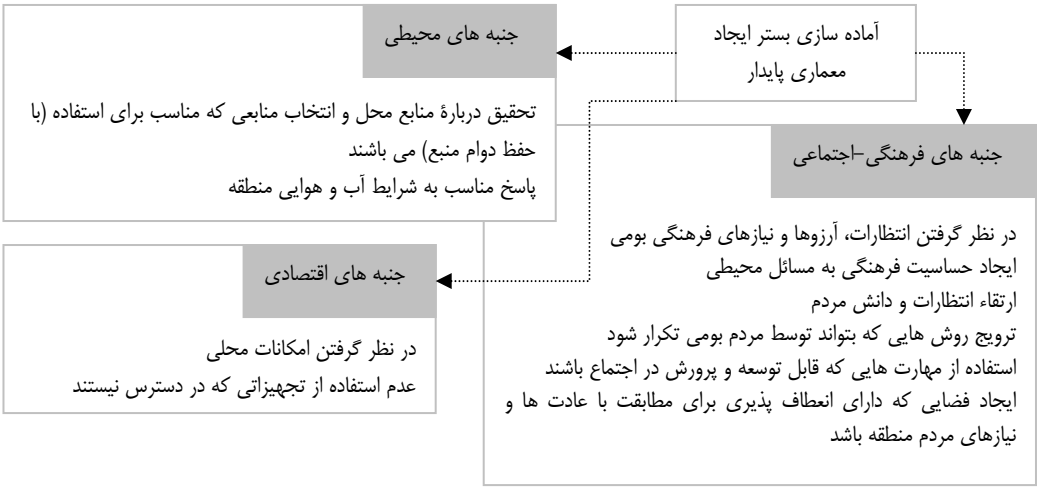
استدلال های کلیدی، مفاهیم شهرسازی- معماری و پایداری هستند که شدیداً به هم گره خورده اند. نه روش های اکولوژیکی و نه پایداری فرهنگی نمی توانند جداگانه و مجزا متعهد شوند. مسئولیت ضمانت محیطی، به معنی حساسیت فرهنگی، پایداری فرهنگی می باشد که می بایست شامل آگاهی های اکولوژیکی باشد. برای شهرهای بدون ترکیب سازگار این دو، هیچ آینده ماندنی و قابل دوام نخواهد بود (Cole, et al. 2006).

بنابراین درک زمینه و محتوای فرهنگ محلی به منظور اجرا و انتقال موفقیت آمیز تکنولوژی ها ضروری می باشد. تکنولوژی‌ها و تمارین جدید، برای اینکه پذیرفته شوند و کار کنند، نیاز دارند که با انتظارات و نیازها، دانش مردم و فرهنگی که احتمالاً آن را به کار می‌گیرند، در یک خط باشند.

وقتی به این موضوع اندیشیده می‌شود که چه تکنیک‌ها و روش‌هایی می توانند عموماً قابل قبول باشند و معماری پایداری را ارائه دهند که پاسخگوی مشخصات ذکر شده باشند، ضوابط و معیار های ذیل می توانند اساس و پایهٔ ارزیابی و اظهار نظر دربارهٔ معماری پایدار باشند (Norton, 1999):

- استفاده اساسی از مصالح موجود و وسایل حمل و نقل محلی
- استفاده از منابعی که به مقدار کافی موجود هستند، به منظور بر طرف کردن تقاضاهای کلی و اساسی به گونه ای که منجر به نابودی محیط نشوند.
- عدم وابستگی به تجهیزاتی که به سادگی مهیا نیستند.
- استفاده از مهارت هایی که عملاً قابل توسعه و پرورش در اجتماع هستند.
- بتواند مطابق زمینه اجتماعی – اقتصادی بومی و محلی حاصل گردد.
- نتایج با ارزشی را ایجاد کنند.
- به آثار آب و هوای بومی پاسخ دهد.
- دارای انعطاف پذیری برای مطابقت با نیاز ها و عادت های محلی باشد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]



نمودار ۲: موارد آماده سازی بستر ایجاد معماری پایدار

- توسط مردم بومی بتواند تکرار شود.

بسیاری از نمونه های موفق معماری پایدار که قبلاً وجود داشته اند، با این ضوابط تطابق یافته اند و از طریق کوششها و ابتکارهای محلی و گاهی اوقات پشتیبانی های خارجی به دست آمده اند.

تشخیص این که چه چیزی واقعاً پایدار است به صرف زمان طولانی نیاز دارد، تا مهارت ها را پرورش دهد و توسعه بخشد تا یک ایده را ثابت کند یا برای قرار دادن یک سیستم مالی یا سازمانی که بتواند پایدار باشد، امتحان شود.

بدین ترتیب، با توجه به آنچه که گفته شد، می‌توان موارد آماده سازی بستر ایجاد پایداری را، در نمودار ۱ نمایش داد.

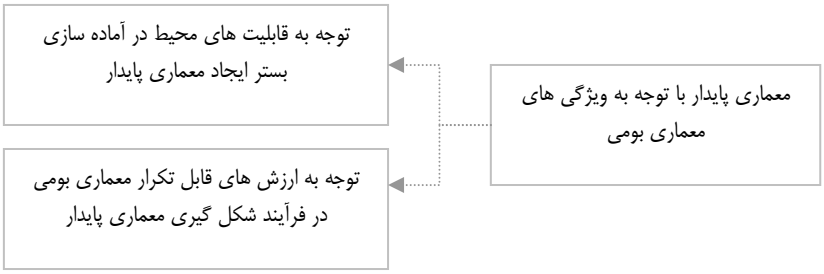
۲- رد یا پذیرفتن پایداری از راه‌های سنتی[۵] (مربوط به گذشته)

با توجه به آنچه گفته شد، رویکرد معماری پایدار نیازمند بسترسازی بومی مناسب می باشد. اشتباهی که ممکن است در اینجا رخ دهد، در نظر گرفتن طراحی سنتی و یا طراحی اقلیمی به جای طراحی بومی می‌باشد. در حالیکه طراحی بومی، تکرار آنچه در گذشته رایج بوده، نیست؛ ممکن است بتوان به نوعی، از فرآیندهای طراحی سنتی تبعیت نمود. طراحی اقلیمی نیز، بخشی از معماری بومی است و نه خود آن.

خط مشی‌های سنتی، منجر به ایجاد سر پناه‌هایی شده اند که در طی قرن ها پایدار بوده اند، اما امروزه از عهدهٔ نیازها و منابع موجود زمان حال، بر نمی‌آیند. در این محیط، پیدا کردن راه حل‌های جدید و خط مشی‌هایی که حقیقتاً پایدار باشند، بسیار مشکل است. اگر ما، می بایست خودمان را با رشد سریع نیازها مطابقت دهیم پس باید در جایی که راه حل ها موجودند، آنها را بپرورانیم (Norton, 1999).

بسیاری از نمونه های روش های طراحی و ساختمان سازی سنتی، مثال های خوبی برای معماری پایدار در زمان خودشان می باشند و استفاده مناسب از منابع بومی مطابقت یافته با مهارت های محلی را

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]



نمودار ۳: رفع موانع ایجاد پایداری با توجه به ویژگی‌های بومی

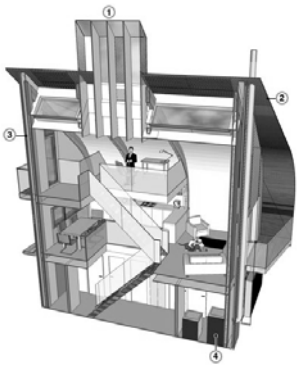
که برای ساخت یک محیط مصنوعی ترکیب شده‌اند ارائه می‌دهند، که مطابق با نیاز های مردم هستند. ولی فاکتور هایی که شامل رشد آماری تغییر و تبدیل فضاهای روستایی به شهری، تهی شدن منابع طبیعی و ساخت و ساز بشر و تغییرات معنی دار در انتظارات و شیوه های زندگی می باشند، همگی از راه های گوناگونشان با هم ترکیب می شوند، تا قابلیت زیست پذیری سنتی یا حتی آخرین روش تهیه سر پناه را فرسوده کنند. به این معنی که راه های سنتی بسیاری برای حل نیازها وجود دارد. در حالیکه جنبه هایی از آن هنوز خوب کار می کنند، بعضی از جنبه های آن نیز غیر کاربردی یا بی کفایت و کلاً غیر پایدار شده اند. امروزه مردم نوع دیگر از ساختمان را نیاز دارند؛ ساختمان های بیشتر با سرعت بالاتر، منبع در آمد مالی آنها نیز تغییر کرده است.

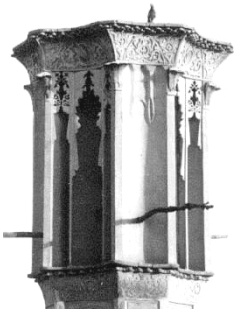
بنابراین همهٔ این تغییرات به این معنی است که یک روش ساختمانی که در گذشته در زمینه خودش خوب کار کرده، ممکن است امروزه ساختن و نگهداری و تهیه کردن آن مشکل باشد و ممکن است جوابگوی نیازهای مقصود شدهٔ امروزه نباشد. رفته رفته روشن می‌شود که باید به دنبال یک گزینه بود. همانطور که در قسمت زمینه سازی بستر ایجاد معماری پایدار گفته شد، در نظر گرفتن روشها و مهارتها و تجهیزاتی که قابل دسترسی و تکرار در منطقه باشند، بسیار مهم است. بنابراین بین رد کردن قابلیت زیست پذیری راه حل‌های سنتی و عدم دسترسی به بسیاری از گزینه‌های مدرن، معماری پایدار یک روشی را تعریف می کند، به گونه‌ای که این شکاف پر می شود. به نظر می رسد که درس گرفتن از خط مشی‌های معماری سنتی، گام ابتدایی این حرکت باشد.

از سویی دیگر، شناخت محیط و معماری تنها با درک فعالیتهای انسان در دنیای پیرامونش امکان پذیر است و هدف معماری را می‌توان ایجاد انگاره‌ای انسانی در درون شکل کالبدی دانست. بنابراین اگر بپذیریم که معماری بازتاب کالبدی زندگی بشری است: زندگی با تمام ابعاد (نیازها، باورها، اعتقادات و به طور کلی ارزش ها ...)، باید دریابیم که معماری امروز و فردای ما نمی تواند بی رابطه با معماری گذشته باشد (ربوبی، ۱۳۸٤: ۵۷).

در شکل گیری معماری بومی، برخی روابط اجتماعی و اقتصادی با محیط طبیعی و نمادهای فرهنگی، ماهرانه انعکاس می یابند. این معماری جوابگوی نیازهای یک جامعه در ارتباط با عوامل طبیعی و با خواسته های معنوی انسان ها می باشد (دادخواه، ۱۳۸٤: ۹۸).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]





توجه به ارزش‌های قابل تکرار معماری بومی در فرآیند شکل گیری معماری پایدار:

- **استفاده مجدد از عنصر بادگیر که تلفیقی از تکنولوژی و زیبایی شناسی معماری سنتی می باشد.**





- **طاق ها بر روی کوچه به منظور ایجاد سایه**

با توجه به آنچه گفته شد، واضح است که تقلید از کالبد معماری گذشته مد نظر نمی باشد، بلکه درک پایداری بنا در زمان و مکان خود، و درک ارزش های آن که امروزه نیز می توانند به خوبی کار کنند، مورد نظر می باشد.

۲-۱- رویکرد پایداری در اصول معماری بومی ایران

وجود اصول در معماری ایران، اجازه می دهد تا همه از زبان عمومی بین آنها استفاده کنند. اصول ساختمان سنتی ایرانی، از طریق واحد اندازه گیری استاندارد، طراحی مدولار و تناسب در طراحی پدیدار می شود. چیزی که اصول معماری ایرانی ارائه می کند، مبتنی بر توجه به مراحل و سطوح در طراحی و مدیریت ساخت می باشد.

منظور از این بحث، توصیه تکرار الگو و شکل نیست، بلکه هدف شناسایی اصول معماری بومی و شناسایی مشکلاتی است که معماری بومی برای حل آن مطرح شده بود.

معماری سنتی ایران، اساساً بر موارد ذیل متمرکز شده است:

- نگاه به طبیعت و تداعی تقدس آن
- مراحل طراحی و طراحی انسانی
- پایایی بنا

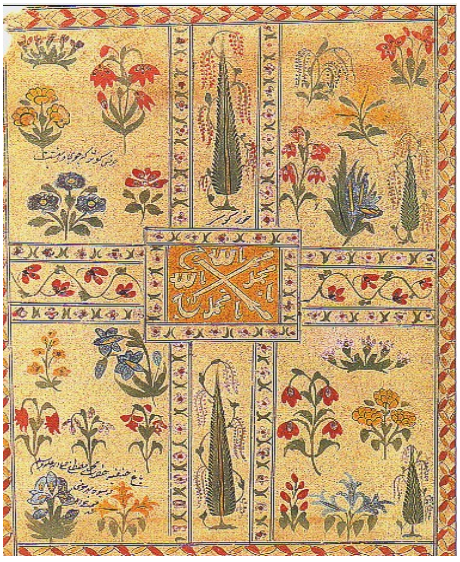
۲-۱-۱- نگاه به طبیعت و تداعی تقدس آن

یک اثر معماری، از هنگام زاده شدن، از لحظه‌ای که باید اولین گام های خود را برای کالبدی شدن بر دارد، با زمین در می آمیزد: از زمین آب دریافت می کند و پس از دگرکردن شکل ظاهری و محتوای شیمیایی- فیزیکی‌اش، به میزان متفاوت، بازپس‌اش می دهد؛ روی به نسیم می کند و پشت به بادهایی که آزارش می دهند؛ درآمیختگی با طبیعت، هم با تبعیت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

از طبیعت همراه است و هم با بهره وری از آن. استقرار در محیط طبیعی، خواه به دلیل تبعیت و احترام به آن و خواه در رابطه با مجموعه اعتقاداتی که از فرهنگ کهن و تاریخ پر ماجرای سرزمین زاده شده، با ظرافت و لطافت صورت می گیرد (فلامکی، ۱۳۸٤: ۸۲-۸۳).

■ طبیعت معنادار در معماری: در اجتماع و فرهنگ ایرانی، احترام به همه عناصر طبیعت وجود دارد. در عرفان، اعتقاد بر این است که آب، باد (هوا)، خاک و آتش (نور و فاکتورهای دنیوی)، عناصر اصلی تشکیل دهنده پیرامون ما هستند. از این رو در معماری ایران حضور این عناصر همواره آشکار است. اعتقاد به این چهار عنصر، هنوز هم راه حل های مناسبی را برای نگرش و ارتباط متقابل ساختمان و محیط اطراف فراهم می کند. انسان سنتی همیشه طبیعت را برای بهتر شناختن پروردگار کاویده است.



تجلی طبیعت و باغ ایرانی در فرش. نمادهای طبیعت معنادار و حضور آن در زندگی انسان سنتی

■ طراحی اقلیمی: وجود بادگیر یا حوض آب در حیاط خلوت، مثالهای خوب معماری ایرانی می‌باشند. الهام از طبیعت در بسیاری از ویژگی های ساختمان دیده می شود. استفاده از گیاهان طبیعی، روشنایی طبیعی، تهویه طبیعی و خصوصیات دمایی زمین و دیگر نیروهای طبیعت، همه در این معماری گنجانده شده است. هم چنین در مقیاس طرح ریزی، برنامه ریزی و کاربرد شهری، استفاده از پتانسیل های طبیعی مشهود است. جهت ساختمان (رون در فارسی)، موثرترین جهت قرارگیری برای استفاده از منابع و پتانسیل های طبیعی به دست آمده است (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۱).

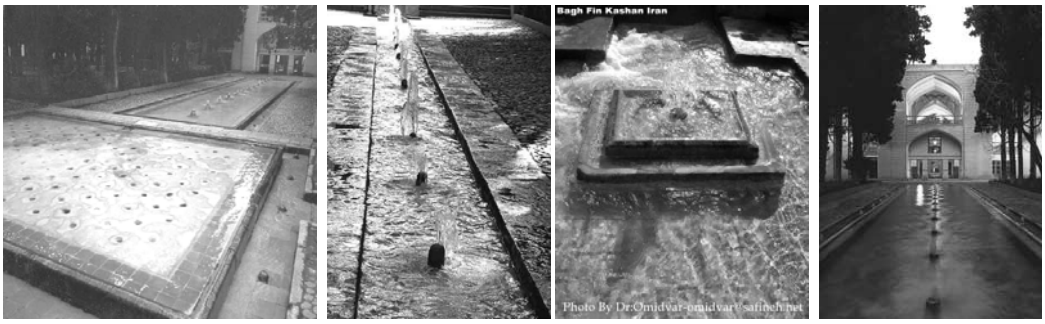
همچون هر موجود طبیعی که در محیط زیست خود زندگی می کند و به آن وابسته است، معماری سنتی نیز در بستر طبیعی خود و هماهنگ و وابسته به آن، شکل گرفته است. مصالح سازندهٔ آن از دامن طبیعتِ محیط زیستش به دست آمده است. طرح و نقشهٔ آن به گونه ای است که با اقلیم محل، بیشترین سازگاری را دارد و کمترین تحمیل و تخریب را چه برای محیط زیست و چه برای خود بنا بوجود می‌آورد (طاهباز، ۱۳۸۳، ۱۱۲-۱۱٤).

بر طبق اصول ایرانی، هر اثری که موجب آسیب به محیط شود، خودش و اجزاءش ممنوع است. این همان چیزی است که به عنوان اولین قدم یا اساس پایداری ملاحظه می شود (Vakili, et al. 2006).

همانطور که دیده می شود، احترام به طبیعت و عناصرش تأثیر مهمی بر روی مفهومی کردن و نوآوری در مرحلهٔ اولیه طراحی دارد.

■ خودبسندگی استفاده از مصالح بومی (بوم آورد): برای مثال آن ها عادت به استفاده از خاک فونداسیون حفاری شده، برای ساختن آجرها داشتند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۳۲).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]



نمایش آب در باغ ایرانی: اشاره به مفاهیم آب همچون تقدس و پاکی و جاری بودن زندگی در آن. مدیریت مصرف آب در باغ و توجه به مفهوم قناعت در باغ ایرانی به وضوح مشهود است.

▪ پرهیز از بیهودگی (قناعت): این ویژگی سعی دارد که تمام کوشش های عملی انجام شده به منظور رسیدن به بیشترین کارایی را، برای استفاده کنندگان نشان دهد، که پیامدهایی چون کنترل هدررفتن هزینه و پرهیز از بارهای ساختمانی (سبک ساختن ساختمان تا جایی که ممکن است، از طریق حذف بخش هایی از بارهای مرده) را مد نظر قرار می‌دهد. امروزه شرایط مساوی برای چنین مفهوم هایی از طریق کم بودن، کفایت، کارایی و سطوح مختلف مدیریت اقتصادی و تکنولوژی بدست می‌آید (همان: ۲۸).

البته در این میان اشاره به فرهنگ مصرف ایرانی ها در گذشته نیز، ضروری است. قناعت به معنای مطلوب‌ترین درجه بهره برداری از منابع در دسترس و مدیریت زندگی فردی و اجتماعی بر اساس امکانات موجود می باشد (نقی زاده، ۱۳۸۱: ٤۳). در این معماری به پیروی از طبیعت و خلقت، مصالح و مواد با رعایت اصل قناعت به کار رفته اند و از حداکثر کارایی و توان آنها بهره گیری شده است. به طور نمونه، در کاربرد خشت یا گچ، با شناخت کامل این مواد و خواص آنها، از هر یک متناسب با ویژگی‌ها و خصوصیات آن در اوج کمال استفاده شده است، که رعایت این اصل، امکانات بسیاری را در اختیار معمار قرار داده است. مثلاً در کاربرد خشت به ساخت انواع گنبد و طاق دست یافته؛ در کاربرد آجر به هنر آجرکاری و انواع ترکیبات و نقوش آجری؛ در کاربرد کاشی لعابدار به انواع نقوش و کاشیکاری و .... در استفاده از آب به انواع روش های بهره گیری از آب قنات، حوض، فواره و آبشار دست یافته که با به کارگیری آن در معماری، باغ ها و کوشک های رویایی و دل انگیزی در دل کویر ساخته است (طاهباز، ۱۳۸۳، ۱۱۲). مثالهای زیادی از این قبیل، در مفاهیم معماری امروز در طراحی ساختمان پایدار،(SBD)[٦]، گنجانده شده است. انتخاب مصالح بومی سازگار، کاربرد انرژی درونی و انرژی غیرفعال و روشهای محیطی طراحی، در مدیریت تکنولوژی که مربوط به تاثیرات بر محیط می‌باشد، مفاهیم اساسی اشاره شده در SBD هستند.

۲-۲-۲- مراحل طراحی و طراحی انسانی

در معماری پایدار برآورده شدن نیازهای روحی و جسمی ساکنان از اهمیت خاصی برخوردار است (سفلایی، ۱۳۸۳).

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

طراحی انسانی، مهم‌ترین اصل طراحی پایدار است که به قابلیت زیست تمام اجزای تشکیل دهندهٔ نظام زیست جهانی، می پردازد. این اصل عمیقاً ریشه در نیاز به حفظ عناصر زنجیره‌ای نظام های زیستی دارد که تداوم حیات و بقای انسان، منوط به وجود آن هاست. در جوامع مدرن، بیش از ۷۰ درصد طول عمر هر شخص در فضاهای داخلی می‌گذرد. بنابراین ضروری‌ترین نقش معماری، خلق محیط‌های ساخته شده‌ای است که امنیت، سلامت، آسایش فیزیکی، صحت روانی و بهره‌وری ساکنان خود را تداوم بخشد. در این میان، نباید عامل کارایی طرح را از یاد برد: آیا کارآیی فرآورده‌ای که مصرف انرژی پایینی دارد، می‌تواند به اندازهٔ محصول قبلی، که فاقد این ویژگی است، باشد؟ (Kim, 1998: 14)

- درون‌گرایی: هر اجتماعی، احترام فوق‌العاده‌ای، برای فرهنگ، عادت‌ها و سنت‌هایش قائل است. فرهنگ ایرانی ها، به خانواده و خلوت آن احترام می‌گذارد. بر این اساس، آن ها دو نوع فضا، در طراحی نشان دادند. فعالیت های وابسته به خانوده و خلوت آنها باید در فضای جداگانه ای نسبت به فعالیت های عمومی مستقر شود (همان: ۳۵-۳۶).
- مردم واری که به نیازها و پیامدهای مربوط به قابلیت کاربردی بودن یک ساختمان، مربوط می شود؛ یعنی تمام نیازهای استفاده کنندهٔ ساختمان با وجود رتبهٔ اجتماعی آن ها باید پاسخ داده شود (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۲۶)

این نظام و ویژگی در طراحی نشان می دهد که چه قدر معماری نسبت به فرهنگ اعضای اجتماع، حساس رفتار می کند. بنابراین اولویت ماموریت طراحی، با رضایت از نیازهای اولیه و اساسی انسان از طریق توابع معقول، ارتباط دارد.

مراحل طراحی معماری ایرانی از گام های زیادی تشکیل شده است، ۵ مرحله در طراحی سنتی عبارتند از:

۱-گز کردن (اندازه گیری): برای دریافتن اندازه‌های فیزیکی و گنجایش ممکن.

۲-گفت و گو: برای برقراری ارتباط با ارباب رجوع و مذاکره دو طرفه با آن، به منظور درک نیازهای لازمهٔ آن‌ها.

۳-طرح: کشیدن ایدهٔ کلی ونمایش مفهوم (consept) طراحی، تا طراح و ارباب رجوع بتوانند با یکدیگر مذاکره نمایند.

٤-پلان تصویب شده: به منظور کامل کردن طرح هایی که مبتنی بر اسکیس‌های پذیرفته شده و ایده ها و مفاهیم تصویب شده، توسط ارباب رجوع می باشد.

۵-کست - افزود (اتمام طرح های مبتنی بر تصویب تغییرات احتمالی): برای طراحی مستندات نهایی، به طریقی که ساختمان بتواند همان گونه که طراحی شده، ساخته شود.

این مرحله نشان می‌دهد که نیازهای مشتری و رضایت او چقدر برای معماری ایرانی با اهمیت است. دستورالعملی که در این بخش اشاره شد، نشان می‌دهد که در فرایند معماری، ارباب رجوع (استفاده کننده) یکی از نقش‌های کلیدی را، در سیستم ایفا می‌کند (Vakili, et al. 2006).

- انعطاف‌پذیری: در معماری بومی، هدف درک روح مکان است و نه خود آن. عدم توجه به پویایی و کاربردهای درون مکان و تأکید بر اشیاء یا شکل ایستای کالبدی آن، باعث می‌شود که امروزه اغلب معماران و برنامه‌ریزان، با اعتقاد به این که با

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

تغییر بردارهای ارزشی در معماری، شکل کالبدی نیز تغییر می یابد، از رشد، تغییر، قابلیت انطباق و انعطاف پذیری سخن بگویند؛ ولی متأسفانه این تحرک همچنان در قالب همان شکل کالبدی، بدون توجه به معنا و مفهوم آن، باقی می‌ماند. این نوع نگرش به دلیل توجه به پوسته‌ها و معیارهای ظاهری، موفق نخواهد شد. چراکه در این مقوله هدف اصلی قابلیت انطباق و انعطاف‌پذیری اشکال کالبدی نیست بلکه قابلیت انطباق و انعطاف پذیری کارکردهاست. پدیده‌ای که در رابطه با خصوصیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی، در فعل و انفعالی همیشه پویا، منجر به بروز کارکردهای معین می‌شود. مفهوم قابلیت انطباق کارکردها در معماری بیانگر این واقعیت است که هیچ پدیده و عنصری نمی‌تواند پایدار و برقرار بماند مگر در شرایط مکانی مناسب، به نحوی که ماهیت درونی‌اش پذیرای آن باشد. چراکه هرگز یک درخت در شوره زار نمی‌روید (ربوبی، ۱۳۸٤: ۵۹).

نمونه قابل توجه این گفته در خانه سنتی قابل تأمل است: در خانه سنتی، تنوع پذیری با تبعیت نقشه خانه از یک الگوی عام شکل گیری و استفاده از نظام مبنای پیمون امکان پذیر می شود. حیاط خانه به دلیل قرارگیری در مرکز در محل تقسیم عملکردها بوده و قابلیت تبدیل به فضایی جمعی برای میهمانی ها و جشن ها را داشته است. این مرکزیت بیش از آنکه مرکزیت فیزیکی باشد، تمرکزی مفهومی و عملکردی است. عمق فضاهای نورگیر، در جبهه های مختلف حیاط، متفاوت است. گاه این عمق در حد طاق نماهای دیوار محصور کننده و گاه به عمق اتاق تالار و بادگیر است. نماهای داخلی حیاط که با تبعیت از همان الگوی عام شکل می‌گیرند، تشخیص فضاهای اصلی و فرعی خانه را میسر می‌سازند. عمق نما، گاه در حد لایه‌های تشکیل دهنده دیوار و گاه در حد عمق آفتاب شکن و کفش کن آستانه ورودی اتاق و در پاره‌ای از موارد به عمق یک ایوان یا ایوانچه است. قابلیت دسترسی خنثی، به اتاق‌ها از طریق حیاط و راهروهای ارتباطی (تختگاه)، تنوع عملکردی اتاق‌ها را میسر ساخته است. این گونه ارتباط های داخلی، موجب تلفیق کارکردها در یک فضا و تقلیل اتلاف فضاهای ارتباطی می‌شود. عناصر دیگری چون در- پنجره، برخلاف کارکردهای تخصصی امروز، عملکردهای متنوعی چون امکان عبور و ارتباط به حیاط، نوردهی به فضاهای داخلی را به طور همزمان، به عهده داشتند. پنجره های ارسی، اگر چه برای عبور استفاده نمی‌شدند، با تنوع در نقش های هندسی و استفاده از شیشه رنگی، با گردش شبانه روز و تغییر تابش نور، فضاهای داخلی متنوعی را بوجود می آوردند (عینی فر. ۱۳۸۲: ٦۹-۷٤).

۲-۲-۳- پایایی بنا

یکی از خصوصیات معماری ایرانی استفاده از هندسه در طرح هایش است. قواعد هندسی در طراحی منجر به درک بهتر اندازه، تناسب و زیبایی و نیروهای مربوط به سازه که با ساخت ساختمان سروکار دارد، می شود. فهم دقیق هندسه و موارد مربوط به آن معماری ایرانی را قادر به ارائهٔ فرم های پایدارتر و باارزش می کند (پیرنیا، ۱۳۸۲: ۲۵).

- واحد مدول (پیمون): واحد پایه اندازه گیری در ساختمان، پیمون نامیده می شود که اساس سایر اندازه گیری ها، می باشد. پیمون، اندازه های خرد و یکسانی بود که در هر جا درخور نیازی که بدان بود،

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

بـه کـار گرفتـه مـی شـد (پیرنیـا، ۱۳۸۳: ۳۰-۳۱). ایـن سیستم اندازه گیری، کمک می کند تا هندسه و فوایدش را، برای درک بهتر رفتار نیروها در ساختار ساختمان بـه کار برد.

همانطور که در قسمت قبل گفته شـد، اسـتفاده از پیمون، معمار را قادر به ایجاد فـضاهایی انعطـاف پـذیر می‌نموده است و این انعطاف پذیری منجـر بـه افـزایش عمر بنا می شود.

- نیارش (استحکام ساختار): «نیـارش بـه دانـش ایستایی، فن سـاختمان و سـاختمایه (مـصالح) شناسـی گفته می شود» (همان: ۲۹-۳۱). این نظـام، در برگیرنـدۀ نیازهـای ضـروری دینـامیکی و اسـتاتیکی سـاختمان می‌باشد و شامل تلاش هـای انجـام گرفتـه در سـاختن، برای تطابق با سطوح موجود دانش و تکنولوژی است.

۲-۲- فواید استفاده از کاربرد اصول معماری بومی ایرانی در راستای رویکرد معماری پایدار

اگـر چنانچـه قبـول کنـیم کـه شـکل، اعـم از پدیده‌های اجتماعی یا طبیعی، متعلق به جهان بیرون و دارای خصوصیات ویژه یا دارای انرژی خـاص اسـت (آن انرژی که می تواند هر چیز را بدل به چیز دیگری کند) و اگر باز بپذیریم کـه انـسان در تـدارک فـضای ساخته شده بـا اسـتفاده از شـکل هـا (بـا امکانـات و محدودیت هـای محیطـی) در قالـب کـاربری هـا بـه نیازهای خـود، اعـم از جـسمانی و غیـر جـسمانی، و ضرورت هـا جـواب مـی گفتـه اسـت، در آن حالـت می‌توان ادعا کرد که معماری بومی در هـر مقطعـی از تاریخ کاربردی است البته با مفهوم فراگیر جـسمانی و غیر جسمانی (ربوبی، ۱۳۸٤: ٦٦).

جنبه های فرهنگی-اجتماعی	جنبه های محیطی	جنبه های اقتصادی
▪ مردم واری: معماری بومی نسبت به فرهنگ اعـضای اجتماع، حساس، رفتار می کند؛ ازجمله، درون گرایی که در نظر گرفتن نیازهای استفاده کننده، از نظر نیاز او به حـریم خصوصی و امنیت ▪ سازگاری: سازگاری با سـاکنان سـاختمان بـه دلیـل قابلیت انعطاف پذیری ▪ معنادار نمودن طبیعت در معماری که موجـب ایجـاد فرهنگ مصرف صحیح و قناعت می شود. ▪ پس نگری (تغییر عادات بد): پرهیز کردن از چیزهای غیر ضروری است که کارایی را پایین می آورد. توانـایی و آمـادگی مـا بـرای تغییـر ذهنمـان، ممکـن اسـت بتوانـد مشکلاتی را حل کند، حتی بـیش از یـافتن یـک راه حـل قطعی برای یک مشکل.	▪ توجه به ویژگی‌های معنایی طبیعـت کـه منجر بـه ایجـاد حـس احتـرام بـه طبیعـت و قناعت و معنـادار شـدن محـیط سـاخته شـده می‌شود ▪ توجه بـه ویژگـی‌هـای مـادی طبیعـت و طراحی اقلیمی و سازگاری با محیط پیرامون ▪ خودبسندگی استفاده از مـصالح بـوم آورد: استفاده از مـصالح بـی خطـر، سـالم و بـومی، تکنولوژی موجود، جوابگـویی و شـدنی بـودن عملکردهـا کـه پیامـدهای مرتـب شـده در فعالیتهای سـاختمانی امـروزه هـستند. انـرژی متمرکـز شـده و پیامـدهایی چـون مفـاهیم ماندگاری، نگهداشت پذیری، تعمیر پـذیری و سادگی، مورد توجه قرار گرفته اند.	▪ پرهیز از بیهـودگی (قناعـت): کـه منجـر بـه صـرفه جـویی در مصرف منابع و در نتیجـه کـاهش هزینه ها خواهد شد. ▪ انعطاف پذیری بنا کـه باعـث افزایش عمـر آن مـی گـردد و در نتیجه نیاز به ایجاد فضاهای جدید و تخریب فضاهای بی اسـتفاده را کاهش می دهد. ▪ نیارش: ایجاد سـاختمانهایی مستحکم که هزینه های تعمیرات و نگهداری را کاهش می دهد.

نمودار ٤: ارزش های تکرار پذیر معماری بومی در هر یک از زمینه های مورد توجه معماری پایدار

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

ویژگی‌های اشاره شده در قسمت قبل، می‌توانند به عنوان ارزشهایی تکرارپذیر در فرآیند معماری پایدار، جهت ساخت و سازهای امروز، مورد توجه قرار گیرند.

جمع‌بندی

موانعی که بر سر راه ایجاد معماری پایدار قرار دارند، با در نظر گرفتن معماری پایدار به عنوان یک فرآیند و توجه به زمینه های بومی شکل گیری آن، قابل حل می باشند. پایداری نیاز دارد که در رابطه با فرآیند دیده شود. به عنوان چیزی که رابطهٔ بین بیوفیزیکال جسم ساخته شده و فرهنگ اجتماعی را شکل می‌دهد.

ناتوانی طراحان که نتوانسته اند، پیوستگی و محتوای فرهنگی– اجتماعی معماری را تشخیص دهند، یا اینکه نیازها و انتظارات کسانی که قصد دارند از آن استفاده کنند را درک نمایند، منجر به شکست بسیاری از پروژه‌ها در زمینهٔ پایداری، گشته است. در واقع، در اینجا، صحبت در این باره است که چگونه فرهنگ و ارزش های محلی را باید حفظ کرد. این موضوع حقیقتاً روی موفقیت یا شکست یک پروژه تأثیر می گذارد.

رویکرد معماری پایدار نیازمند بسترسازی بومی مناسب می‌باشد ولی خط مشی‌های سنتی که منجر به ایجاد سر پناه‌هایی شده‌اند که در طی قرن ها پایدار بوده‌اند، امروزه از عهدهٔ نیازها و منابع موجود زمان حال، بر نمی‌آیند، بنابراین در اینجا منظور از توجه به ویژگی‌های بومی، توجه به ارزش‌های آن می باشد. توجه به ویژگی‌های بومی، از دو جهت قابل توجه است: یکی، ایجاد بستر مناسب برای شکل گیری معماری پایدار و دیگری، استفاده از ارزش های تکرار پذیر معماری بومی، در فرآیند معماری.

آماده سازی بستر ایجاد معماری پایدار، در هر سه شاخهٔ فرهنگی–اجتماعی، اقتصادی و محیطی قابل بررسی است که در همهٔ این شاخه ها توجه به ویژگیها و قابلیت های منطقه و مردم آن، مورد نظر می باشد.

در استخراج ارزش هایی که می بایست در شکل گیری معماری مورد توجه قرار گیرند، توجه به ارزشهای تکرار شدنی معماری بومی بسیار با اهمیت است. تأثیر این ارزش‌ها در هر سه زمینهٔ پایداری محیطی، فرهنگی–اجتماعی و اقتصادی، قابل بررسی است.

- طرح افق‌های تحقیقاتی برای ادامه و توسعه:

همانطور که گفته شد تکنولوژی‌ها و تمارین جدید، برای اینکه پذیرفته شوند و کار کنند، نیاز دارند که با انتظارات، نیازها، دانش مردم و فرهنگی که احتمال آن را به کار می‌گیرند، در یک خط باشند. در این مقاله به معماری بومی اشاره شد که در دوره‌ای ارتباط آن با گذشته به کلی قطع شده است، بنابراین درک دقیق آنچه مردم امروز می خواهند، نکتهٔ اساسی در فهم کاربردی بودن ارزش‌های استخراج شدهٔ معماری بومی می‌باشد. بدین ترتیب می‌توان به گونه‌ای از معماری دست یافت که همچون معماری گذشته به خوبی کار می‌کند و در امتداد معماری گذشته، واقع می شود.

پی‌نوشت

۱– معماری بومی، یعنی مجموعه واحدهای معماری – شهری ای که در سرزمینی معین گرد هم آمده اند و دارای ویژگی هایی می باشند: هماهنگی مبتنی بر تفاوت، تشخص

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]

مبتنی بر ضابطه ها و رسوم و سلیقه های زاده از فرهنگ محیطی، یگانگی زاده از احترام متقابل و برخورداری از رفتارهای محیطی مبتنی بر آزادی های مشروط از قراردادهای اجتماعی ضمنی- قراردادهای نانوشته ولی زنده (فلامکی، ۱۳۸٤: ۱۷).

2- biophysical

3- Amnesia

4- Hybrid cultures

۵- منظور از واژهٔ معماری سنتی، معماری باستانی و آن چیزی است که به عنوان معماری گذشتهٔ ایران شناخته شده است.

6- sustainable Building Design

منابع

۱- احمدی، فرهاد، "معماری پایدار". آبادی، سال سیزدهم، شماره ٤۰-٤۱، پاییز و زمستان، صص ۹۵-۱۰۷ ، ۱۳۸۲.

۲- آلپاگونوولو، آدریانو و محمد مهریار و مصطفی ربوبی و محمد منصور فلامکی و مهیار دادخواه و آذرنـدخت شریعت و رحمان اقبالی و سیامک صانعی، معماری بومی، نشر فضا، تهران، ۱۳۸٤.

۳- پیرنیا، محمدکریم، معماری اسلامی ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۸۲.

٤- پیرنیا، محمدکریم، سبک شناسی معماری ایران، نشر معمار، ۱۳۸۳.

۵- سفلایی، فرزانه، "کنکاشی پیرامون مفاهیم و تجارب معماری پایدار" . آبادی، شماره ٤۲، بهار، صص ٦۲-٦۷، ۱۳۸۳.

٦- عینی فر، علیرضا، "الگویی برای تحلیل انعطاف پذیری در مسکن سنتی ایران". هنرهای زیبا، شماره۱۳، بهار، صص ٦٤-۷۷، ۱۳۸۲.

۷- نقی زاده، محمد، "مبانی فرهنگی معماری پایدار ایرانی". مسکن، شماره۱۰، زمستان، صص ۳۱-٤۸، ۱۳۸۱.

8- Cole, Raymond and Richard Lorch (2004), Buildings, Culture & Environment: Informing Local and Global Practice, Taylor & Francis Group, www.tandf.co.uk/journals.

9- Kim, Jong- Jin (1998), "Sustainable Architecture Module: Introduction to Sustainable Design", www.umich.edu.

10- Norton, John (1999), "Sustainable Architecture: a process for achieving shelter that will keep going", www.dwf.org.

11- Vakili, Ali and Abdel Halim Boussabaine (2006), "Quality Concept in Persian Precedent Architecture: A Lesson in Eco-Building Design", paper delivered at the 23rd conference on Passive and Low Energy Architecture (PLEA), www.unige.ch.

11- Willis, Anne-Marie (2000), "The Limits of Sustainable Architecture", paper delivered at Shaping the Sustainable Millennium, Queensland University of Technology.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-02]